

سیمور هersh ، ژورنالیست و پژوهشگر آمریکایی میگوید: "جدال اخیر در لبنان نتیجه سرکوب گروه شبه نظامی سنی "فتح الاسلام" بوسیله ارتش لبنان می باشد ، که قبلاً مورد حمایت آن دولت بود !" اوایل نوامبر 2006 ، دولت لبنان از طرف عربستان سعودی با پشتیبانی دولت جورج بوش ، مأمور شد که گروه سنی فتح الاسلام را تقویت و برای رو در رونی با حزب اله آماده سازد. طی شش ماه بین 400 تا 450 تن از اعضای این گروه مشغول تعلیمات و تمرینات مبارزات چریکی بودند و هر نفر ماهانه 700 دلار حقوق دریافت می کردند که برای زندگی در لبنان و کسانی که در اردوگاه آوارگان زندگی می کنند ، رقم بسیار خوبی ست. در مجموع میلیون ها دلار برای تعلیمات و تجهیزات این گروه سرمایه گذاری شد. ماه گذشته "موساد" ، سازمان امنیت اسرائیل ، به مقامات امنیتی وزارت دفاع آمریکا گزارش داد که گروه "فتح الاسلام" با چند گروه شبه نظامی تندرو ، از جمله حماس و القاعده در تماس می باشد.

آمریکا و عربستان که بار دیگر با واقفیت تلخ "مار در آستین پرورش دادن ، خطر نیش خوردن در پی دارد" ، روبرو شده بودند ؛ از دولت لبنان خواستند که کلیه کمک ها را قطع کرده و حساب بانکی آنان را نیز توقیف کند. رهبران فتح الاسلام اول سعی داشتند که مسأله را با مذاکره حل و فصل کنند ولی کوشش هایشان بی ثمر ماند. چند روز پس از قطع رابطه ، چهار چریک مسلح فتح الاسلام برای آزاد کردن حساب توقیف شده ، به یک بانک واقع در شهر تریپولی حمله کرده و با 125000 دلار فرار می کنند. روز بعد پلیس امنیتی لبنان به قصد دستگیری آنان در نزدیکی اردوگاه پناهندگان با رگبار دهها مسلسل روبرو می شود. این آغاز درگیری "فتح الاسلام با قوای نظامی لبنان می باشد. قابل ذکر است که طبق قرار داد 1969 کنفرانس اعراب ارتش حق ورود به اردوگاه های پناهندگان را ندارد .

بدین ترتیب نبرد بین ارتش لبنان با گروه "فتح الاسلام" در اردوگاه پناهندگان فلسطینی "نهرالبارد" در نزدیکی تریپولی لبنان آغاز شده است. این اردوگاه ، که در سال 1948 برای فلسطینی هائیکه از کشورشان بیرون رانده شده بودند ، تا جا برای یهودی های اروپا خالی شود ، خانه و کاشانه ی 50,000 فلسطینی آواره شد. پس از دوهفته زد و خورد ، طبق آمار جلال احمر ، بیش از 110 تن کشته ، 211 نفر زخمی شده اند و مابین 25000 تا 31000 آواره از اردوگاه آوارگان فلسطینی ، گریخته اند . عبدالرحمان هلب که مشغول توزیع غذا در اردوگاه نهرالبارد بود ، به آوارگان می گفت که در اردوگاه بدای دیگر جا نیست و در حال حاضر 3000 نفر در یک مدرسه و 25 نفر در هر کلاس بدون وسیله بسر میبرند .

سرهنگ خلیان شاکر العباسی که یک مبارز فلسطینی است و رهبری این گروه را به عهده دارد می گوید که گروه فتح الاسلام ، از سازمان حماس برای آزادی سرزمین اشغالی فلسطین پشتیبانی می کند. او همچنین می گوید از فلسفه سازمان القاعده در مورد آزاد کردن سرزمین های مقدس اسلامی از زیر یوغ آمریکا و اسرائیل حمایت می کند ؛ اما تأکید می کند که رابطه تی با آنان ندارد. در مورد رابطه با سوریه می گوید که نه تنها رابطه ندارد بلکه برادرش و تعدادی از همزمانش بدست مأمورین امنیتی سوریه کشته شده و تعدادی نیز در زندانهای آن کشور بسر می برند. شاکر العباسی می گوید فتح الاسلام تسلیم صیهیونیستهای آمریکائی و عاملان آن نخواهند شد .

سیاست آمریکا در خاورمیانه ، در اواخر زمستان گذشته ، تغییراتی اساسی کرد . فلسفه این سیاست بر اساس منشور "قرن نوبین آمریکا" و مقابله غیر مستقیم با ایران و جلوگیری از گسترش نفوذ شیعیان در منطقه می باشد. در حال حاضر ، دولت فواد سنیرا که رابطه بسیار نزدیکی با خاندان سعود (عربستان سعودی) دارد ، مأمور اجرای سیاست جدید آمریکا در لبنان است . برای نمونه مقابله غیر مستقیم با ایران بر پایه حمایت مخفیانه از شبه نظامیان و گروه های مسلح سنی ، قرار دارد . هواداران "قرن نوبین آمریکا" معتقد هستند که آمریکا فاتح جنگ سرد و تنها ابرقدرت جهان ، می بایستی قرن جدید را آنطور که صلاح می داند شکل بدهد و موظف است که دنیا را با قدرت نظامی ، سیاست پویای دیپلماسی و تعهد به آرمان های انسانی رهبری کند. (1)

اهداف جنبی سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه عبارتند از :
توطئه جهت در گیری نظامی بین گروه های شیعه - سنی برای سالیان دراز ؛
راه اندازی جنگهای فرقه تی و داخلی برای تضعیف دشمنان آمریکا و اسرائیل ؛
برپائی هر چه بیشتر پایگاه ها و حضور نظامی آمریکا در منطقه به بهانه امنیت و صلح خاورمیانه ؛
تغییر مرزهای کشورهای خاورمیانه به شکل مورد نظر آمریکا و بالاخره
وجود آوردن شرایط مناسب برای گسترش مرزهای اسرائیل .

دیک چی تی ، معاون رئیس جمهور ، ایلیوت آبرامز ، معاون شورای امنیت آمریکا و بندر ابن سلطان ، رئیس شورای امنیت عربستان سعودی بازیگران کلیدی این تغییر سیاست هستند . ایلیوت آبرامز که ارشیتکت این برنامه می باشد ، در سال 1991 از طرف دادگاه به جرم دروغ گفتن به کنگره آمریکا در مورد عملیات تخریبی و مخفیانه اش بر علیه سانداننیست ها در نیکاراگوئه ، محکوم شد و جورج بوش (پدر) در سال 1992 او را مورد عفو ریاست جمهوری قرار داد.

اولین قدم برای پیاده کردن سیاست جدید آمریکا ، حمایت از گروه های شبه نظامی سنی لبنان و عراق و اولین گروه مورد نظرو حمایتشان در لبنان گروه "فتح الاسلام" بوده است . تقویت و حمایت از این گروه ، صرفاً ، جهت بوجود آوردن شاخی در مقابل حزب اله لبنان بود. سیمور هersh می گوید: "این سیاست براساس دشمن دشمن من ، دوست من است پایه ریزی شده است".
دکتر فرانکلین لمب ، پژوهشگر دانشگاه آمریکائی بیروت که متخصص حزب اله می باشد ، می نویسد :

"دیوید ولش ، معاون وزارت امور خارجه آمریکا ، با سران کشور عربستان سعودی و بعد با سعد حریری ، فرزند رفیق حریری (میلیاردر و نخست وزیر سابق لبنان) که در یک بمب گذاری کشته شد ، در لبنان ملاقات کرد و از ایشان خواست که دولت لبنان گروه سنی "فتح الاسلام" را برای مقابله با حزب اله ، مسلح کرده و از آنان حمایت کند. دیوید ولش مسئول اجرای سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه و سعد حریری مسئول پروژه در لبنان می باشند. آمریکا برای شروع کار یک بودجه یک میلیارد دلاری در اختیار دیوید ولش گذارده است. (2)

حزب اله لبنان به نظر اکثر متخصصین و خاورمیانه شناسان ، در آخرین جدال ، 12 جولای تا 14 اگوست 2006 ، با اسرائیل ، برنده اصلی بوده است. این شکست ، همراه با نفوذ روزافزون شیعیان در خاورمیانه ، برای کشورهای سنی منطقه ، آمریکا و اسرائیل (عامل آمریکا در منطقه) نه تنها قابل قبول نیست بلکه تحمل ناپذیر می باشد و باید "بهر قیمتی" با آن مقابله کرده و از صحنه بیرونش راند .

شکست اسرائیل در آخرین نبرد با حزب اله باعث پرونده سازی و در گیری در وزارت دفاع ، مجلس اسرائیل و دولت اهود ائمرت گردید و چند تن از نظامیان و سیاستمداران مجبور به استعفا شدند .

حمایت از "فتح الاسلام" شبیه همان سیاستی است که آمریکا در دهه 1980 در افغانستان برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی اتخاذ کرد. آن زمان حمایت از تند روهای مذهبی برای مقابله با کمونیسم بود که منجر به وجود آمدن گروه القاعده شد و اکنون پشتیبانی از جهادبان سنی در مقابله با شیعیان می باشد .

آمریکا آن زمان ، برای کمک رسانی به مجاهدین افغانستان ، از سازمان امنیت پاکستان و همچنین از سازمان های پوششی بهره برداری می کرد. سازمان "موهبت ملی برای دموکراسی" در آمریکا ، یکی از این سازمان ها بود که از روی "اداره اطلاعات منفی و ساختگی" در وزارت امور خارجه ی انگلیس الگوبرداری شده بود .

انگستان نیز با آمریکا در این مبارزه ، مخفیانه همکاری می کرد. ری ویتنی ، مأمور اینتلجنت سرویس و متخصص افغانستان ، رئیس پروژه انگلیسی عملیات بود. او همچنین مسئول "اداره اطلاعات منفی و ساختگی" در وزارت خارجه کشورش بود . مرکز عملیات مخفی آمریکا و انگلیس در پیشاور واقع در پاکستان بود .

سازمان سیا ، در "عملیات سایکلون" اوساما بن لادن و همزمانش را که بعداً سازمان القاعده را بوجود آوردند ، تعلیم داده و برای مبارزه با شوروی مسلح کرده بود. سازمان سیا ، ده سال وقت و بیش از دو میلیارد دلار در این عملیات سرمایه گذاری کرد و حتی موشک های ضد هوایی استیونگر که کاری ترین موشک برای سرنگونی هلیکوپتر و هواپیما در ارتفاع کم می باشد ، در اختیارشان گذارد .

آن زمان نیز عربستان سعودی و آمریکا مشترکاً جهادبان سنی را تعلیم داده ، مسلح کردند و عربستان قول داده بود که مجاهدین را کنترل خواهد کرد .

این یک الگوی سیاستی ورشکسته می باشد که عملاً بارها با شکست روبرو شده و عواقبی معکوس داشته بخصوص در مورد القاعده که بر ای ملت آمریکا فاجعه انگیز بوده است. (3)

حمله تروریستی یازده سپتامبر در آمریکا ، نه تنها سه هزار کشته و هفتصد و پنجاه میلیارد خسارت مالی در پی داشت بلکه رویه ی زندگی روزمره و حتی قانون اساسی آمریکا را دگرگون ساخت. واقعه یازده سپتامبر برای اولین بار آشکار کرد که شهروند آمریکائی در درون کشورش آسیب پذیر است و این ، فقط ، شروع داستان دامنه دار "جنگ با تروریسم ، برای آید" ، بود. چون همانطور که امروز شاهد هستیم ، آمریکا در افغانستان و عراق مستقیماً و در چندین کشور دیگر بوسیله عمال خود مشغول نبرد است . جنگی که تا به امروز ، هزاران کشته و ده ها هزار زخمی و نزدیک به پانصد میلیارد دلار خسارت مالی برای مردم آمریکا به ارمغان آورده است. ارقام کشتار و خسارات ناشی از حملات آمریکا برای ملت افغان و عراق ، به مراتب بیشتر و گران تر و جبران ناپذیر ترمی باشد .

دولت جورج بوش و پشتیبانان افراطی اش ، نو کنسرواتیوها (دست راستی های افراطی (و تئو کنسرواتیوها (افراطی های مذهبی) برای اجرای مقاصدشان (فلسفه قرن نوبین آمریکا) نیاز به یک بهانه بزرگی مانند "پرل هاربر" داشتند ، که با دستاویز قرار دادن آن بتوانند عملیات مخفیانه ، حملات و حرکات افراطی ، غیر منطقی و ناعادلانه شان را توجیه کنند. (4)

حمله زاپین به پرل هاربر ، آمریکا را وارد جنگ جهانی دوم نمود و نتیجتاً باعث حمله اتمی آمریکا به دو شهر هیروشیما و ناگاساکی شد. آمریکا تنها کشوری است که مرتکب چنین جنایتی شده است.

دولت جنگ طلب جورج بوش از اولین روز ورودش به کاخ سفید ، به دنبال بهانه برای حمله به عراق بود. او بعد از 11 سپتامبر ایران ، عراق و کره شمالی ، سه کشوری که هیچ رابطه نی با 11 سپتامبر نداشتند را محورهای شیطانی نامید. این دولت با ایجاد ترس و وحشت از احتمالات بعدی در میان توده مردم ، مشغول پیاده کردن برنامه های شوم خود می باشد .

اخیراً سازمان سیا یک "فرمان ریاست جمهوری" برای عملیات مخفیانه جهت تضعیف رژیم جمهوری اسلامی ، دریافت کرده است. این عملیات شامل تبلیغات ضد رژیم ، اشاعه اطلاعات منفی و ساختگی ، بی اعتبار کردن سیستم پولی ، دستیابی به حسابهای مخفی رژیم و ایجاد محدودیت در تجارت بین المللی جمهوری اسلامی خواهد بود .

آمریکا قصد دارد که با اعمال فشار ، رژیم را وادار کند که اولاً کوشش جهت دستیابی به تسلیحات هسته نی را رها کند و دوماً دخالت در امور عراق را متوقف سازد .

پشتیبانی و حمایت از مخالفین رژیم ، با اتکا به سیاستی که در مورد القاعده و فتح الاسلام اتخاذ شد ، نیز جزو برنامه سازمان

سیا می باشد. برای مثال سازمان جنداله که در مرز سه گانه ایران ، افغانستان و پاکستان مستقر می باشد ، از طرف آمریکا بوسیله سازمان ضد اطلاعات پاکستان حمایت می شود. جنداله یکی از آن سازمانها می باشد که با پشتیبانی آمریکا ، مدتی است در بلوچستان بر علیه رژیم فعالیت دارد.

عبدالمالک ریگی ، رهبر این سازمان که با آمریکا در تماس است می گوید " :سازمان جنداله که از عشایر بلوچ تشکیل شده ، اخیراً در یکی از عملیات مسلحانه ی خود در زاهدان پانزده سپاهی را کشته و تعداد زیادی را مجروح ساخت".

جمهوری اسلامی نیز هفته ی گذشته اعلام کرد که پنج نفر از اعضای مسلح جنداله را همراه با وسائل جاسوسی ، نقشه مناطق حساس و پانصد هزار دلار پول ، هنگام عبور از مرز ، دستگیر کرده است .

سپاه پاسداران ، در یک سری عملیات ضربتی در شهرهای پیشین ، مند و زاهدان ، 90 تن از اعضای جنداله را دستگیر و مقدار قابل توجهی اسلحه که شامل اسلحه سنگین نیز بوده ، مهمات و وسائل مخابراتی نیز توقیف و ضبط کرده اند.

یک افسر عالیرتبه ضد اطلاعات پاکستان به خبرنگار بی بی سی گفت: "گروه جنداله با پول فراوانی که در دست دارد ، توانسته است در افغانستان به حد فراوان سربازگیری کند. این توانائی مالی ، یک گروه چریکی را به یک ارتش کوچک تبدیل کرده است که دولت آمریکا بتواند روی آنان حساب کند ."

استفاده از جنداله و دیگر گروه های شبه نظامی مخالف جمهوری اسلامی نیز جهت رو در روئی و تضعیف رژیم مورد تأیید بخشی از مردم ایران می باشد. بخش بزرگی از مردم ایران مشکلی با سیاست آمریکا در تضعیف جمهوری اسلامی ندارند و تضعیف رژیم را در چارچوب حفظ تمامیت ارضی کشور بدون کوچکترین لطمه ئی به ایران می پذیرند. در غیر این صورت ؛ این بخشی از مردم برای دفاع از کشور و یکپارچگی آن با دشمنان خارجی و مرتجعین داخلی مبارزه خواهند کرد .

امیر حسین لادن

ahlzml@earthlink.net

(1)فرن نوین آمریکا: سازندگان و باورمندان به این نظریه معتقد هستند که رهبری آمریکا برای آمریکا و جهان بهترین پاسخ گوی مشکلات می باشد. آمریکا می بایستی دنیا را با قدرت نظامی ، سیاست پویای دیپلماسی و تعهد به آرمان های انسانی رهبری کند.

Hezbollah: A Brief Guide for Beginners

(2)کتاب حزب اله: راهنما برای مبتدیان – دکتر فرانکلین آلمب

(3)پس از هجوم شوروی به افغانستان در سال دسامبر 1979 ، آمریکا پشتیبانی مخفی و گسترده ای از مجاهدین افغانستان براه انداخت. نقش انگلستان ضد اطلاعات و برپائی رادیو آزاد کابل برای پشتیبانی از مجاهدین وتبلیغات ضد کمونیستی بود. مسئول انگلیسی این پروژه لرد کرانبورن بود که رئیس تشریفات دربار و رئیس مجلس اشراف انگلستان می باشد.

(4)پرل هاربر: منطقه ی آمریکائی در هاوایی که ژاپن در 7 دسامبر 1941 به آن حمله کرده و نیروی دریائی آمریکا را در آن منطقه نابود ساخت. حمله ژاپن به پرل هاربر آمریکا را میلیتاریزه و وارد جنگ جهانی دوم نمود . بنا به تاریخ رسمی نیروی دریائی آمریکا ، برنامه ریزی عملیات نظامی ژاپن در پرل هاربر از نظر استراتژی ، حرکتی منطقی و اجرای آن بسیار دقیق و موفقیت آمیز بود